

بازخوانی وقف نامه امامزاده عبدالله علیه السلام واقع در شهر رزوه به تاریخ سنه ۱۰۸۰ ه. ق

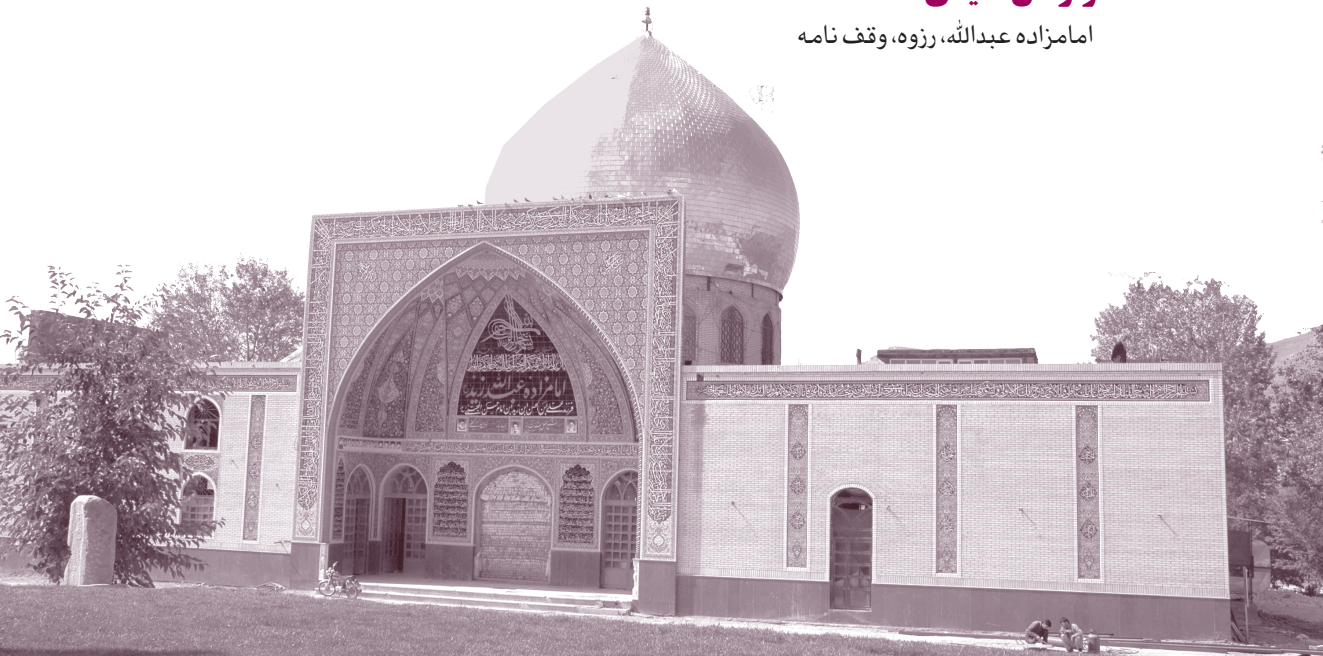
محبوبه خسروی

چکیده

بقعه امامزاده عبدالله علیه السلام؛ نواده امام حسن مجتبی علیه السلام به نام عبدالله شدید فرزند علی شدید فرزند حسن فرزند زید فرزند امام حسن علیه السلام است و نام فرزندش عبدالعظیم^۱ است که مدفن او در جوار مسجد شجره ری است در رزوه از توابع شهرستان چادگان در غرب استان اصفهان واقع است. در این نوشتار ابتدا به موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهرستان رزوه، سپس به بررسی شجره نامه امامزاده عبدالله علیه السلام و بعد از آن نیز به بازخوانی وقف نامه امامزاده خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

امامزاده عبدالله، رزوه، وقف نامه



مقدمه

بقعه متبرکه امامزاده عبدالله علیه السلام در شهر رزوه در شهرستان چادگان در استان اصفهان واقع است. این شهرستان در شمال غربی استان واقع و شهر رزوه در سمت شمال شهرستان قرار دارد.

شهر رزوه^۲ در ۵۰/۳۴ طول شرقی و ۳۲/۵۰ عرض شمالی و ۲۲۳۰ متر ارتفاع از سطح دریا واقع گردیده است.^۳ این شهر در هشت کیلومتری شهر چادگان مرکز شهرستان و بیست کیلومتری شهر داران مرکز شهرستان فریدن واقع شده است.^۴

رزوه در منطقه‌ای پایکوهی واقع و دارای آب و هوای معتدل و خشک است. رشته کوه دالان کوه در هفت کیلومتری شمال و شمال شرقی آن قرار دارد.^۵

رزوه در سال ۱۳۷۷ به جرگه شهرهای کشور پیوست و در سرشماری ۱۳۸۵ دارای ۴۹۲۷ نفر جمعیت بوده است.^۶ در وجه تسمیه رزوه آمده است که از دو جزء «رز+وه» ترکیب شده است. «رز» همان تاک یا درخت انگور است

و جزء دوم «وه» همان صورت دیگر «به» است؛ به معنی خوب. «رزوه» معادل «رزبه» است؛ به معنی آنجا که انگور خوب دارد.^۷

قابل ذکر است که رزوه از مناطق مهم کشاورزی در شهرستان چادگان است و از محصولات عمده تولیدی آن می‌توان به گندم، جو، سیب زمینی و کُنزا اشاره کرد که سالیانه مقادیر قابل توجهی به سایر مناطق کشور صادر می‌گردد.

شهر رزوه از سه محله به نام‌های ۱. قلعه بالا، ۲. قلعه پایین، ۳. امامزاده عبدالله تشکیل شده که این سه محله توسط پلی که بر روی رودخانه فصلی رزوه احداث گردیده با یکدیگر ارتباط دارند. در این شهر ۱۱ باب مسجد و ۱۸ رشته قنات و ده‌ها حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق وجود دارد.

امامزاده عبدالله علیه السلام

امامزاده عبدالله علیه السلام مدفون در شهر رزوه فرزند علی شدید بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام است.



ضريح امامزاده عبدالله بن زید حسنی (ع) شهر رزوه

امامزاده عبدالله علیه السلام پدر حضرت امامزاده عبدالعظیم حسنی علیه السلام مدفون در شهر ری است. در استعلامی که اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان فریدن از «مؤسسه المکتبه الوثائقیه العامه» در نجف اشرف در خصوص شجره طیبه امامزاده عبدالله علیه السلام به عمل آورده است، حجه الاسلام سید حسین ابوسعید الموسوی مسؤول مؤسسه، شجره نامه امامزاده عبدالله علیه السلام مدفون در رزوه فریدن را مرقوم داشته که ترجمه آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم
بر طبق دلایل علمی ثابت و مسجل شده که نواده امام حسن مجتبی علیه السلام به نام عبدالله شدید فرزند علی شدید فرزند حسن فرزند زید فرزند امام حسن علیه السلام است و بر طبق کتب مختلف ایشان نواده امام حسن علیه السلام است که نامش عبدالله بوده، فرزند حسن فرزند زید فرزند امام حسن علیه السلام است و مشهور به «امامزاده عبدالله زید» که او را مستقیماً و بدون واسطه به نام جدش زید می خوانند؛ و این حالت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مؤسسة

المكتبة الوثائقية العراقية

النجف الاشرف

لساحة حجة الاسلام السيد حسين أبو سعيدة
الموسوي

جمهورية العراق - النجف الاشرف

٢٦١٢٠

٢٦٧٩١١

٢٧٠٢١١

١٤٢٢ هـ

٨ / ٢٠٠٣ م

ترياق: 00821655509044

صاف: 520

«مرقد امامزاده عبدالله»



الحمد لله رب العالمين، والصلوات على خير الانام ابي القاسم محمد و علي آله العز الميامين
وبعد: طبعاً لصريح الادلّة العلمية فانه يوجد حفيد للانام الحسن المجتبي ابن امير علي ابن ابي طالب (ع)
باسم «عبدالله الشديك ابن علي الشديك ابن الحسن بن زيد ابن امام الحسن السبط (ع)»
و طبعاً لظواهر الادلّة المكتوبة والمروية، مما عاين هذا الحفيد وهو عبدالله ابن علي ابن الحسن بن
زيد ابن الامام الحسن (ع) قد اشهره بلفظ (عبدالله بن زيد) فقد رفع الي جملة «مباشر» دون واسطه في هذه
حاله ما لونه عند المجمع الاسلامي فلا خير فيها.
و قد تحقق عندنا علمياً و روئياً بروايات موروثه مسموعه، ان عبدالله هذا قد دفن في قرية «مرزوه»
فردن» من توابع اصفهان.

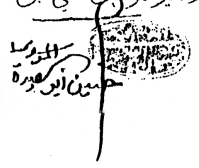
٢٢٦

تقاسم متبركه

و ذكرنا و مله «السيد عبد العظيم بن عبد الله بن علي الشديك بن الحسن بن زيد ابن الامام الحسن (ع) و
مرحبا بصحة قبره و مدغنه و قلنا ان مرقد «في الرابي في مسجد الشجر» له بناء ضخمة يحمل بانواع العمارات و
الزخرف «انظر كتابنا تاريخ المشرق (ج/١٨٥)».

ان مرقد المشيد في قرية «مرزوه» فردن) هو للسيد امامزاده عبدالله، و صورته نسيب كالآتي:

{ السيد عبدالله بن علي الشديك ابن الحسن بن زيد ابن الامام الحسن الامام امير المؤمنين علي ابن
ابي طالب (ع) }



كما ذكرناه في كتابنا المشاهدة المشرقة الجزء الثالث.

اللهم وفقنا لحفظ قرأت آل البيت (ع) و اعصمتنا من الزل انك علي كل شيء قدير.

النجف الاشرف
١ / رمضان المبارك / ١٤٤٤ هـ
٢ / ١٠ / ٢٠٠٣ م

سنة ٧٠٨ هـ - ق
بازخوانی وقف نامه امامزاده عبدالله علیه السلام واقع در شهر زره به تاریخ

معمول در جامعه اسلامی است و در زبان عربی گاهی فرد را به نام جدش ذکر می‌کنند. و نزد ما این گونه ثابت شده که این امامزاده در قریه رزوه از توابع فریدن اصفهان مدفون است. و نام فرزندش شاه عبدالعظیم است که مدفن او در جوار مسجد شجره ری است. ما این مطلب را در کتاب مشاهد مشرفه، ج ۲، ص ۱۸۵ ذکر کرده‌ایم.

حسین أبوسعید الموسوی النجف الأشرف
الأول من شهر رمضان ۱۴۲۴ هـ

وقف نامه امامزاده عبد الله عليه السلام نوشته شده در سال ۷۰۸ قمری

الحمد لله كبير المتعال ذی الملك و
السلطان و الجلال، المعز المنطور بالفضل
و الأفضل الذی أكرم عباده المتقين فی....
جل من إن أكرمکم عندالله أتقاکم^۸.....
والصلوة علی محمد و آله.

و بعد، باعث بر تحریر این کلمات
شرعیه و داعی بر املائی این مقدمات
دینیّه آن است که حاضر شد به
مجلس شرع شریعت شریف محمدی،

حضرت سعادت و رفعت پناه عزت
و معالی دستگاه عالی اسماء، عمده
السعادات، نتایج العظام و الکرام، خلف
الأکابر ... خلاصه الصواحب الأصفیاء،
عديم المثل فی هذا الزمان، غنی
الألقاب، المستغنی عن الإطناب فی
الأوصاف، زیباً للسعادة و الرفعة، ... الله
تعالی فی أرضه، ضیاء الدین محمود بن
الملك شجاع الدین انابیک نشنگ [؟؟]
و بفروخت بی مانعی و مزاحمی به
جناب عمده الاعظم و الاعیان، و نادر
العصر و الزمان، المقرب للحضرة العالیة
الخاقانیة، خواجه رکن الدین و خواجه
عماد الدین ابنای خواجه نظام الدین
مستوفی نواب همایون اعلی و بخریدند
از وی (عندی) صحیحه شرعی و بیعی
دمی همگی و تمامت شش دانگ
مزرعه‌ای که مشهور و معروفست
بمزرعه جبرجان^۹ علی مزارع فریدن^{۱۰}
من اعمال لرستان و عن کوره^{۱۱} اصفهان
عراقعجم^{۱۲} (عراق عجم) از مزارع
رزوه رود محدود بحدات اربعه حد
اول بنهر صوران و حد ثانی بمزرعه
محراب و حد ثالث بسمند جان^{۱۳} و حد

رابع بشارع اصفهان وجبل دالان^{۱۴} مشهور است راس دره و سوارخور دولت آباد^{۱۵} وما يتعلق بها وبا جميع توابع شرعيه ولواحق^{۱۶} مليه وشرب شارب وجد اول وصحاري وارضى العامات چشمه ورگستان وقلعه آستانه وما يتعلق بها وما ينسب اليها قديماً او جديداً الثمن^{۱۷} مبلغ سى وپنج هزاردينار^{۱۸} كپكى^{۱۹} كه دينارى از آن شش دينار عراقى است موصوف مصالحه صحيحه شرعيه ومعاهده صريحه دينيه كامله ايجاب وقبول وسلم^{۲۰} وسَلَمَ وقبض^{۲۱} ثمن^{۲۲} و اقباض^{۲۳} مثن معرفى..... اشخاص از موطن عقد بيع مراحين ولواحق ومفاد تحت الذهب الخيارات وخاليه از مفسد وبطلان ذلك عالم بالكفيه و..... واليقين والغبن الفاحش والافحش بيع مزبور از وى صادر شد بعد از آن تنقيذ^{۲۴} وامضای آن نمود امضای شرعى وتنقيذى ملى وضامن درك شد عند الخروج للغير كلاً او بعضاً وعقد مبايعه مزبور مسبوقت^{۲۵} به عقد اجاره شرعيه ومعاهد صريحه.... الندم بموجب

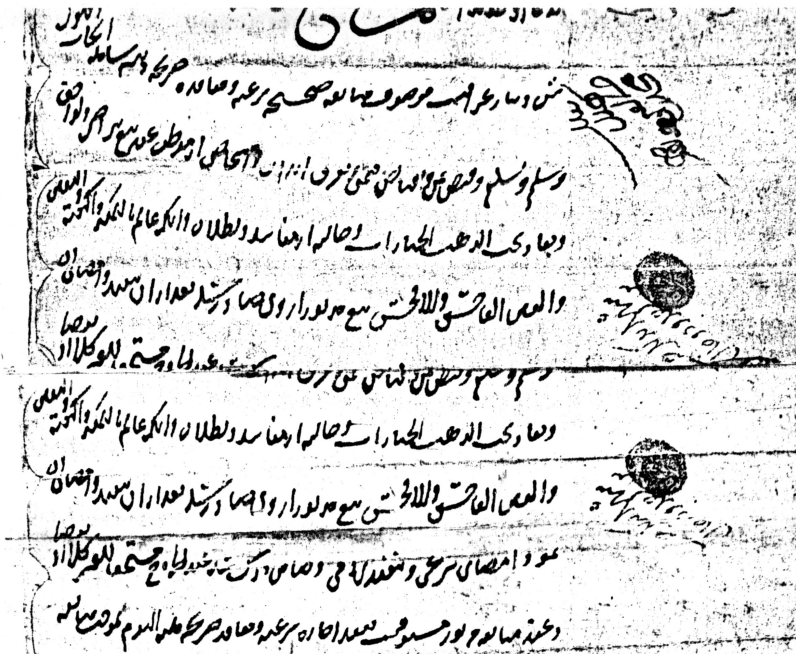
مبايعه شرعيه بايع مزبور را بمبلغ معين معلوم مواجره صحيحه شرعيه ومعامله صريحه دينيه بايع مزبور بهيچ وجه من الوجود وسببى از اسباب حقى ودعوى و بهره‌اى واستحقاقى بر صاحب مزبور نمانده ونيست وحق ملك طلق صدق حرى مشاراليه است او را.... تصرف مالكانه در آن بهر نحوى كه خواهد اراده نمايد كه تصرف الملك فى املاكهم وذوى الحقوقهم الى بعد ذلك بخلاف مسطور بايع مزبور خود بنفسه يا احدى از قبل او وكيلاً كان لم وارثاً بر مشترى آن مزبور آن دعوى نمايد باطل وعاطل واز درجه اعتبار ساقط وهابط وحكام شريعت دعواى ايشان را ممكن ندانند. هوالواقف وبايع مذكور وقف اولاد خود نموده قطعه‌اى كه حد اول او بر رود به چشمه ورگستان وحدود دويم به رودخانه وحد سيم بر رود بطاحونه وحد چهارم برود نهر جبرجان مقدار چهل من بسنگ لرستان تخم افكن بوده باشد وآب مزرعه مذكور تقسيم مى شود به هفت سهم نصيب اولاد (نيم سهم) نصيب

طاحونه (نیم سهم) و از بابت بدل
اجاره طاحونه آستانه مقدار پنج من
روغن سنگ لرستان بر کار امامزاده
واجب التعظیم و مدرسه برسانند و یا
در آن آستانه صرف شود. و خلاف
کننده بلعت خدا و نفرین رسول
گرفتار شود تحریراً فی تاریخ
شهر رجب المرجب من مشهور سنه
ثمال و سبعمائه (۷۰۸) من الهجرة
النبویه مصطفویه لازم به ذکر است
که مواضع نقطه چین از بین رفته

و خواند نشد.

امهار و حواشی

(لازم به ذکر است بخشی از
امهار و حواشی و گواهان سند
فوق بر اثر فرسودگی خوانده نشد
آنچه را موفق به خواند شدم بدین
شرح است)
۱. قبض دادم و قبول نمودم.
العبد محمود بن ملک شجاع
الدین، آنکه قیمت ضیع مذکور
تمام و کمال واصل شد و بهیچ



وجه مرا در صنیع مزبور حقی نیست
مهر [ناخوانا] ...

اسامی گواهان خوانده شد
الیاس بن خضر علی فریدنی
محمود شاه بن قطب الدین حیدر
خانساری

۲. تحریر و تنفیذ مباینه مذکور نمود
عصمت پناه بیکی سلطان ابن عالیجناب
مغزی الیه که صنیع مزبور حق حضرتان
مذکور است و او را در آن حقی نیست
مهر [ناخوانا] ...

شاه حسین بن کمال الدین ...
...حیدر علی بادجانی
...کد خدای محترم علی بن محمد
بن ...یحیی بن صورانی فریدنی

۳. الحمد لولیه الحمد ... قدوقع
اعتراف البایع الطابع بجمیع ما تعمدالله
... من الاقاریر الشرعیه کلاً و اشتهدت
اعترف بجمیع ما فی الیه فی بیع
الصحیحه الشرعیه و قبض الثمن ...العبد
الفقیر المحتاج ... لطف الله ...



پی نوشت

۱. معروف به شاه عبدالعظیم حسنی علیه السلام یا سیدالکریم که در شهر ری مدفون است.
 ۲. Rozveh
 ۳. پاپلی یزدی محمد حسین، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۶۷ ص ۶۲۲
 ۴. گیتا شناسی ایران جلد سوم، ص ۶۰۹
 ۵. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران جلد ۷۰، شهرکرد، ص ۱۳۰
 ۶. www.sci.iranet.net
 ۷. فرهنگ جامع نامها و آبادیهای کهن اصفهان، ص ۴۱۹
 ۸. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَى اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. سوره حجرات آیه ۱۳ همانا بزرگوارترین شما نزد خدا باتقواترین مردمند و خدا کاملاً آگاه است.
 ۹. جبرجان اکنون از مزارع مشهور اطراف شهر رزوه است و در گویش منطقه به جیبیرجان موسوم است.
 ۱۰. فریدن از جمله شهرستانهای استان اصفهان می باشد که تا سال ۱۳۸۱ شهر رزوه نیز از جمله آبادیهای آن محسوب می گردیده است.
 ۱۱. کوره بخشی از یک سرزمین یا یک کشور که مشتمل بر چندین روستا
- ودهستان باشد جغرافیدانان اسلامی، ناحیه ای مشتمل بر چندین قریه را کور می نامیدند و هر کوره را یکی از روستاها یا شهرهای خود نام می گرفت. جغرافیدانان گاه از کوره برای تعریف استان نیز استفاده می کردند. فرهنگ بزرگ گیتا شناسی (اصطلاحات جغرافیایی) ص ۲۸۸
۱۲. ناحیه کوهستانی پهناوری که یونانیان آن را مدیا «Media» می گفتند و از باختر به جلگه های بین النهرین و از خاور به کویر بزرگ ایران محدود بود نزد جغرافی نویسان عرب به نام ایالت جبال معروف بود. این نام بعدها متروک شد و در قرن ششم هجری در زمان سلجوقیان به غلط آن را عراق عجم نامیدند تا با عراق عرب که مقصود قسمت سفلی بین النهرین بود اشتباه نشود.
- کلمه عراق را مسلمانان بر نیمه سفلی بین النهرین اطلاق کردند و اعراب دو شهر بزرگ کوفه و بصره را «عراقین» می گفتند که به معنی «دوپایتخت» عراق است. در نیمه دوم قرن پنجم هجری که سلجوقیان بر تمام مغرب ایران استیلا یافتند و همدان را پایتخت خود قرار دادند نفوذ و استیلا آنها تا بین النهرین مقرر خلافت عباسی رسید و مقام خلافت لقب «سلطان العراقین» به آنان

اعطا گردید که مقصود از عراق دوم ایالت جبال است. از این رو برای اینکه این عراق با عراق اصلی اشتباه نشود آنجا را عراق عجم نامیدند. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی ترجمه محمود عرفان ص ۲۰۱ تا ۲۰۰

۱۳. سمنندگان - سمنندگان از جمله آبادیهای شهرستان چادگان است که در دو کیلومتری شمال غرب شهر چادگان واقع و سد زاینده رود در ۴ کیلومتری جنوب آن قرار دارد این آبادی در مسیر جاده داران به چادگان قرار دارد.

۱۴. دالان کوه - رشته کوهی است ما بین شهرستان‌های فریدن، چادگان و تیران و کرون به طول ۵۸ کیلومتر که شهر رزوه در سمت غرب آن واقع گردیده است (کوهها و کوهنامه ایران ص ۲۴۴)

۱۵. دولت آباد اکنون در محدوده شهرستان تیران و کرون واقع است و رشته کوه دالان کوه در دو کیلومتری جنوب آن قرار دارد.

۱۶. لاحق - (لواحق) لاحق، پیوسته‌ها بدنبال چیزی، سوابق، ملحقات. فرهنگ فارسی معین ج ۳ ص ۳۶۳۷

۱۷. ثمن - بهاء، نرخ، ارز و قیمت است. فرهنگ فارسی معین ج ۱ ص ۱۱۹۳

۱۸. دینار - سکه طلا، مسکوک زر، ارزش دینار در ادوار مختلف متفاوت بوده است. فرهنگ فارسی معین ج ۲ ص ۱۵۹۷

۱۹. کپکی - نوعی دینار و تومان که در عهد مغول، تیموریان و صفویان متداول بوده است. فرهنگ فارسی معین ج ۳ ص ۲۸۹۶

۲۰. سلم - بیعی که ثمن آن حال مبیع آن مؤجل باشد در اصطلاح عامیانه پیش خرید و پیش فروش گفته می‌شود. (ترمینولوژی حقوق دکتر محمد جعفر لنگرودی ص ۳۶۳).

۲۱. قبض - سند مخصوصی است که بین متعهد و متعهد له رد و بدل می‌شود. ترمینولوژی حقوق ص ۶۱۵

۲۲. مثن - معوض را در عقد بیع مثن گویند و عوض را ثمن نامند. ترمینولوژی حقوق ص ۶۱۵

۲۳. اقباض - رفع ید از موضوع معامله از طرف ناقل بنفع منتقل الیه بطوری که منتقل الیه بتواند هر نوع تصرف که بخواهد در آن بنماید. قبض فعل منتقل الیه است اقباض فعل ناقل چنانچه تسلیم فعل ناقل است و تسلیم فعل منتقل الیه است. ترمینولوژی حقوق ص ۶۹

۲۴. اجازه کردن عمل حقوقی غیر ناقد، مرادف اجازه و امضاء استعمال می‌شود. ترمینولوژی حقوق ص ۱۷۹

۲۵. مسبوق، سابقه، آنچه که قبلاً عین یا شبیه آن وقوع یافته باشد. فرهنگ فارسی معین ج ۳ ص ۴۰۷۹